

احساسی نادر

(این نوشتار به وحی الهی است)

در شبی که در پیش است برای فرزندان شهریار ولی هدیه ای در ذخیره داریم که شامل دو پدیده ای ست که مدتهاست انتظارش را داشته است. در خصوص احساسی که در هنگام نزدیک شدن به انتهای شب به فرزندان دست میدهد تنها میتوان گفت حالتی نادر و کمیاب است. این بدین خاطر است که بر خلاف همیشه که شهریار بخاطر نداشتن اطمینان نسبت به حصول نتیجه ای از جانب ما احساسی دوگانه داشت اینبار حاصل مورد انتظار قطعی ست. چرا اینرا میگوئیم با اینکه همواره شهریارمان را در معرض شبهه گری قرار داده آگاهی ناصوابی را باو بخشیده ایم؟ علت اینست که شهریار میدانند که دلی که در سینه دارد اکنون در حدی از تشنگی ست که دیگر تأخیر بیشتر را برنمیتابد. ایران را بمنزله گنجی دانید که بطور پیوسته از زیر زمین پر میشود. رهنان عمامه دار و مزدورانشان گنج را خالی کردند و اکنون در صدر آنند که صندوق خالی را نیز که حائز ارزشی ست با خود ببرند. در اینجا ست که ما پروردگار سرگرم کار میشویم و از ادامه چنین تاراجی ممانعت خواهیم کرد. بدین منظور فرزندان شهریار ولی را از پرده غیب بیرون میفرستیم و این در زمانی ست که ایرانیان از وضعیتی که در آنند به جان آمده دیگر توانایی کشیدن زجر بیشتر را ندارند. شهریار ولی در روزی قدم بمیانها میگذرد که موضوع خودروهای دزدی که بعنوان حق حساب به نمایندگان مجلس و بخش بزرگی از سران حکومتی واگذار شده در رسانه ها مطرح است. دلهای ایمانی با رطل گرانی که بدست شهریار داده ایم لبریز از عشق حق میگردند. شهریار ولی را صاحب رطل گرانی دانید که عشقی را که از قلب ما پروردگار به قلب مبارک شهریار جاری گردیده با همه ابهتش بر شما ملت میافشاند. عالم اینرا بداند...